

# شرق

## روزنامه

برداشت سنتی گندم در روستاهای قره‌تیپه و خشک‌رود، عکس: رضا خان‌بابایی، فارس

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۹۹
۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۱
۲۶ جولای ۲۰۲۰

سال هفدهم
شماره ۳۷۷۶
۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱
اذان مغرب ۲۰:۳۴
اذان صبح فردا ۴:۳۰
طلوع آفتاب ۶:۰۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

#### نور نوشت



#### تلنگر

## آیا شاخص فلاکت، فلاکت‌بار است؟



**سیدحسین موسوی‌چلک**  
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از نگرانی این روزهای مردم، مسئولان و همه و همه درخصوص حال ناخوش اقتصاد کشور است؛ به‌گونه‌ای که در همین شرایط شیوع ویروس کرونا که مهم‌ترین استراتژی درخانه‌ماندن است، تصمیم گرفته شده تا با فاصله‌گذاری فیزیکی و هوشمند کسب‌وکارها تعطیل نشوند و کمتر مسئولی از بالاترین رده‌ها تا پایین‌ترین‌شان است که در گفتارش موضوع «توجه به معیشت مردم» نباشد. مردم هم که نیازی به گفتن ندارد، چون دارن با گوشت و پوست خود این شرایط بد را لمس می‌کنند؛ به قولی «چیزی که عیان است، چه حاجت به بیان است». یکی از شاخص‌های مهمی که نشان‌دهنده حال خوش یا ناخوش اقتصاد است، «شاخص فلاکت» است که وضعیت اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را نشان می‌دهد و برای به‌دست‌آوردن آن نرخ بی‌کاری و نرخ تورم را با هم جمع می‌زنند. آمارهای ارائه‌شده توسط مرکز آمار ایران به‌عنوان مرجع رسمی ارانه آمار در کشور خود گویای فلاکت‌باربودن شاخص فلاکت است. «تازه‌ترین گزارش رسمی بیاگر افزایش ۲۶درصدی شاخص فلاکت در سه سال گذشته و رسیدن به ۴۵.۴ درصد است. این به‌حالی است که اوضاع شاخص‌ها در بخش واقعی اقتصاد نشان می‌دهد که شاخص فلاکت در پایان سال ۱۳۹۸ به ۴۵.۴ درصد رسیده است». بدون شک

چنین شرایطی پیامدهای منفی متعددی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. از جمله آنها افزایش جرائم و سرقت‌های خرد است. بارها در این زمینه در یادداشت یا مصاحبه‌هایم، هشدار داده بودم. آمار ارائه‌شده از سوی رئیس پلیس آگاهی تهران درباره سرقت‌های خرد نشان می‌دهد که ۵۰ درصد این سارقان خرد، «سرقت‌اولی» بودند که شناسایی شدند. همین عدد به‌خوبی نشان می‌دهد که این وضعیت شاخص فلاکت چه تبعاتی در حوزه‌های اجتماعی دارد که تأثیرات آن فقط به حوزه اجتماعی برنمی‌گردد و ممکن است حوزه‌های امنیتی را هم بیشتر درگیر کند. افراد دیگری از جمله افراد دارای نیازهای خاص، بیماران خاص و نادر و صعب‌العلاج، افراد دارای معلولیت، زنان سرپرست خانوار نیازمند، بیماران روانی، ساکنان محلات ناکارآمد شهری، کودکان کار و خیابان، سالمندان به‌ویژه سالمندان تنها و نیازمند و فاقد چتر حمایت اجتماعی که طبق آمار معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حدو دومیلیون و ۳۰۰ هزار نفر از جمعیت حدود پنج‌میلیونی سه دهک پایین را به خود اختصاص می‌دهند، خانواده‌های زندانیان، بی‌کاران و در یک کلام فقرا و نیازمندان بیش از دیگران مجبورند پیامدهای این شرایط نامناسب را تحمل کنند. فراموش نشود که طبق اصل بیست‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشتگی، بی‌کاری، پیری، بی‌سرپرستی، دراهماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و... حق است همگانی. دولت موظف

است همه موارد فوق را برای همه مردم فراهم کند. همین‌طور در اصل بیست‌ویکم همین قانون دولت موظف به حمایت زنان و کودکان بی‌سرپرست و ایجاد بیمه خاص بیوه‌ها و زنان سالخورده و بی‌سرپرست و... است. اگرچه قوانین متعدد دیگری هم وجود دارد از جمله قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و بخش‌هایی از قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه و قوانین خاص موضوعی از قبیل قانون حمایت از افراد دارای معلولیت، قانون حمایت از زنان کودکان بی‌سرپرست و... که در این یادداشت قصد پرداختن به همه این قوانین را ندارم. فقط می‌خواهم اشاره کنم در این شرایط که شاخص فلاکت این‌گونه است، این افراد که در شرایط غیرفلاکت‌بار هم طبق قوانین متعدد نیازمند توجه و حمایت خاص بودند، باید بیش‌ازپیش مورد توجه و حمایت قرار گیرند؛ در غیر این صورت استمرار چنین شرایطی در هر جامعه‌ای ممکن است یا می‌تواند پیامدهای مختلفی را به دنبال داشته باشد. من به‌عنوان یک مددکار اجتماعی وظیفه خودم می‌دانم یادآوری کنم که استمرار چنین وضعیتی که به نظر می‌رسد با طولانی‌ترشدن شرایط شیوع کرونا، بدتر هم خواهد شد (امیدوارم برداشتم اشتباه از آب درآید) و تأثیرات منفی آن در همه حوزه‌ها خود را نشان می‌دهد و بدون شک ضمن اینکه به خیل فقرا و نیازمندان اضافه خواهد شد. سازمان‌های اجتماعی و نهادهای انتظامی و قضائی به دلیل مشکلات و جرائم و... پراکترتر هم خواهند شد. تا دیر نشده فکری برای شاخص فلاکت کنیم؛ فکری که نمود بیرونی و تأثیر بر روح و روان مردم داشته باشد.

#### روزگار کرونایی

## رفع تبعیض، مسئولیت همه

قدرت سرمایه‌گذاری شرکت‌های اقتصادی و تعهدهای مؤثر رهبران برای تحقق‌بخشیدن به دستاوردها و جبران نابرابری‌های طولانی‌مدت، تلاش‌هایی انجام می‌شود». در این رویداد مجازی، شرکت‌کنندگان بر لزوم اجرای چندجانبه تعهدات اجلاس سال ۱۹۹۵ پکن تأکید کردند. در آن سال و در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن، بر ۱۲ مورد برای ایجاد برابری جنسیتی توافق شد. اما کووید-۱۹ سبب شد تا نابرابری‌های جنسیتی آشکارا نشان داده شود. خانم ملایمو نکوکا معتقد است «این ویروس سبب شد تا دولت‌ها کارهایی را برای مقابله با آن انجام دهند که تاکنون انجام نداده بودند و اکنون برای مقابله با آثار ویرانگر این ویروس بر زنان و رفع تبعیض‌های جنسیتی تلاش بیشتری انجام می‌شود. این ویروس سبب شد تا نابرابری‌های موجود در تمام زمینه‌ها -از سلامت گرفته تا اقتصاد، از امنیت تا حمایت اجتماعی- بیشتر شود و زنان و دختران در شرایط نامناسب‌تر قرار



#### بهرام دبیری

چشم‌انداز ایران در صد سال گذشته، یعنی از مشروطیت به این سو، چشم‌اندازی پرآشوب است. آزادی، قانون، عدالت و تغییر. آنچه مردم ایران یا روشنفکران یا مردمان سیاسی در مقابل داشتند، تمدن غرب بود. بحث سیاسی در این چشم‌انداز و در این مطلب مربوط به ما نیست؛ اما فرهنگ و هنر بله! طراحی شهرها و معماری ما را آمریکایی‌ها پیشنهاد دادند و عمل کردند. اروپایی‌ها هم بودند. نتیجه‌اش آن چیزی است که امروز در شهرهای ایران می‌بینیم. البته این هم عجالتا مربوط به ما نیست. آنچه مربوط به این یادداشت کوتاه است، مسئله هویت فردی هنرمندان است. فرهنگ، خاطره‌ای نفیس از هنرمندان گذشته ما دارد. از مانی، پیامبر نقاش‌بگیر تا سعدی و حافظ یا رضا عباسی و حتی

کمال‌الملک که مأمور بود حکم مشروطیت را به امضای شاه برساند. هویت فردی هنرمند، نه‌تنها آثار او، بلکه کیستی خود شخص است. محدود هنرمندانی هستند که در این چشم‌اندازی که گفتیم، هم توانستند آن رؤیای آدمیزاد اهل هنر ایران را دوباره برای ما بازسازی کنند در شمایلی. معدود بودند و هستند؛ وگرنه بسیار کسان در انواع هنر الکویی جز فرهنگ غرب چه در آثار و چه در هویت شخصی خود دنبال نکردند. «نیما» در جهان شعر فارسی معاصر شد. حرف امروز و زبان امروز ما را



بهمن محمضی، چشم‌انداز ایران در ۱۳۹۹

بی‌معنات، چندش آورتر شنیده‌اید؟

#### مغز اجتماعی-۱۲۴

## چگونه در آستانه مرگ ایستادن

برای شاملو هم شنیدن اولویتی بیشتر از دیدن دارد، شاید به این علت که شاملو عاشق موسیقی است. دلیل دیگر قدمت تکاملی نوعی و فردی مدامست که آغازین ادراک هشداردهنده و پیونددهنده پیشاتولد است و شاید آخرین ادراک پیشامرگ هم باشد و شاملو دریغ خود را از ناشنفتن نهایی ابراز می‌کند. او به داوری تاریخ باور دارد و در ادامه شعر می‌گوید: «اما داوری آن سوی در نشسته است». اما این داور با توضیحی که شاملو می‌دهد همان تاریخ است. دانش درایت و انصاف است و در هیئت زمان ظاهر می‌شود و از طرف دیگر می‌داند که توسط آن، «خاطره‌ات تا جاودان جاودان در گذرگاه ادوار داوری خواهد شد». شاملوی شاعر با یادآوری چنین داوری تاریخی، بدرودگوینان، رقصان، شادمان و شاکر، از این آستانه امار در گذر می‌شود.

اما گویا در وچ‌د شور و حال به‌دست‌آمده، شاعر می‌خواهد یک بار دیگر به پشت سر نگاه کند تا تعریفی دیگر از زندگی در هنگام رویارویی با مرگ ارائه دهد.

شاملو توضیحی کوتاه اما دقیق دارد. او در این بخش شعر، آغازریدن زندگی را «از بیرون به درون آمدن - از منظر - به نظاره به ناظر»، تبدیل‌شدن می‌داند. در واقع او با این تعریف، بدن - سوژه شدن را آغاز زیستن اعلان می‌کند، زمانی که ابژه به سوژه در هیئت اول، دوم و سوم شخص حضور پیدا می‌کند. او در توضیحات شاعرانه بعدی خود آن را دقیق‌تر شرح می‌دهد، وقتی به حالت نفی می‌گوید به هیئت گیاه، پروانه، سنگ و برکه درنیامده، بلکه به هیئت «ما» زاده شده است. در اینجا شاملو برای ما روشن می‌کند که انسان به هیئت «ما» زاده می‌شود. این دیدگاه موجز و تکان‌دهنده شاملو به هستی انسان شگفت‌انگیز است. امروزه دلائل علمی مغز - پدیدارشناسی بسیاری بر لزوم وجود «دیگری» برای رشد ذهن تن - سوژه‌مند ترواد انسانی وجود دارد. به عبارتی، انسان در پیوند با دیگری در محیط است که دارای ادراک به کمک کنش قصدمندانه و سپس آگاهانه می‌شود و ذهن بدن‌مند او رشد می‌کند. به نظر شاملو این هیئت پرشکوه انسانی است که ادراک زیبایی‌شناسی وابسته به کنش قصدمندانه و هوشیارانه را ممکن می‌کند و می‌تواند: «در بهار گیاه به تماشای رنگین‌کمان پروانه بنشیند و غرور کوه را دریابد و هیئت دریا را بشنود و شریطه خود را بشناسد و جهان را به قدر همت و فرصت خوش معنا کند». شاملو می‌داند که «کارستانی از این دست از توان درخت و پرند و صخره و آبشار - که ابژه‌های بدون سوژه هستند - بیرون است. در

#### زنان

## تبعیض در امنیت سایبری

نسبت زنان از ۲۵ درصد در دو سال گذشته به ۳۰ درصد افزایش یافته است. ۶۳ درصد زنان شاغل در این عرصه، اعلام کردند که از زمان دانشجویی برای حضور در این حرفه برنامه‌ریزی کرده‌اند و ۵۳ درصد آنها توانستند وارد این حرفه شوند. همچنین زنان این حرفه را یک شغل طولانی‌مدت می‌دانند و ۶۸ درصد آنان قصد دارند تا باقی عمر حرفه‌ای خود را در این شغل سپری کنند و ۶۹ درصد زنان از کار خود اعلام رضایت کرده‌اند و جالب‌تر اینکه ۳۴ درصد آنان از شغل خود بسیار راضی هستند. درحالی‌که ۲۷ درصد مردان از شغل خود احساس رضایت فراوان دارند. هرچند این یافته‌ها، اسباب امیدواری برای بهبود وضعیت در آینده است اما هنوز هم چالش‌های بزرگی برای زنان وجود دارد که می‌تواند سبب عدم

شغل امنیت سایبری از شغل‌هایی است که درباره آن شیفینگی و کنجکاوی وجود دارد. شغلی که حداقل چهار میلیون نفر در سراسر جهان را در بر می‌گیرد. اما به تازگی تحقیقی در رسانه‌های آمریکا درباره نقش زنان در این شغل منتشر شده که خبر از تبعیض گسترده نسبت به زنان شاغل در این حرفه می‌دهد.

آندره مور، مدیر مؤسسه ISC2 براساس یافته‌های تازه شرکت، تحلیلی ارائه داده که مورد توجه قرار گرفته است. طبق این تحقیق زنان تقریباً یک‌سوم نیروی کار شاغل در امنیت سایبری جهان را تشکیل می‌دهند اما آنچه تعجب‌برانگیز است، تبعیض و شکاف عمده جنسیتی در حقوق آن برای زنان است. این یافته‌ها البته امیدوارکننده نیز بود به طوری که

گفت؛ درعین‌حال هویت نفیس یک شاعر فارسی‌زبان را هم به ما نشان داد و آموخت. در جهان‌بینی، اخلاق، باورهای اجتماعی و رفتارهای شخصی، از اندیشه، نظر تا باور و هر رفتاری از این دست. برگردیم در تمام انواع هنر ایران و بباییم، چه کسانی این بخش از هستی هنر را برای ما به میراث گذاشته‌اند و الگو شدند در همه رشته‌ها. و اما «بهمن محمص» یکی از این نمونه‌های ماندگار هنرمندی امروز ایران بود. هستی شخصی او در کار و در باور و در رفتار بارز بود. کسی بود که می‌شد نه‌تنها به کارهایش؛ بلکه به نوع بودنش نگاه کرد و آموخت. در رفتار با قدرت، در نگاه به ثروت، در آداب حضور اجتماعی و برکنارماندن از آسیب‌های هویتی. البته در تمام انواع هنر امروز ایران سرنمون‌های با این هویت وجود دارد و طبیعی است که انگشت‌شمار باشند. در همه جهان و در تمام دوران‌ها انگشت‌شمار بودند؛ اما ناچار خیل عظیم «سلبریتی‌ها» برای کوتاه‌زمانی دیده می‌شوند و می‌میرند. گنجی به گنجینه هویتی هنرمندان ایران باقی نمی‌گذارد. از شما می‌پرسم واژه‌ای از این واژه (سلبریتی) بی‌معنات، چندش آورتر شنیده‌اید؟

#### مغز اجتماعی-۱۲۴

## چگونه در آستانه مرگ ایستادن

راستای این تعریف است که شاملو انسان را زاده‌شده تجسد وظیفه می‌داند. در واقع شاملو از بدن‌مندی توان‌های ذهنی انسانی می‌گوید که همگی حاصل از «ما» زاده‌شده انسان است: «توان دوست‌داشتن و دوست‌داشته‌شدن، توان دیدن و گفتن، توان آندوهگین و شادمان‌شدن، توان خندیدن به وسعت دل و گریستن از سویدای جان، توان فروتنی»، در انتها شاملو بحق به یکی از مهم‌ترین توان‌های انسانی می‌پردازد که توان داشتن حافظه تاریخی (طبیعی - اجتماعی - فرهنگی) و حافظه فردی (تن‌مندان و اتوبیوگرافیک) است که شاملو آن را «توان جلیل به‌دوش‌بردن بار امانت» توصیف می‌کند. در انتها شاملو می‌داند که هر انسانی تجربه تاریخی نگاہی‌ها را به‌تنهایی حمل می‌کند که باید «توان غمناک تحمل این تنهایی، تنهایی «عریان» را داشته باشد. تجسد همه این توان‌هاست که به قول شاملو، انسان خود «شواری وظیفه» می‌شود. شاملو پس از اینکه شرح کوتاهی درباره تعریف انسان‌بودن از نظرگاه هستی - پدیدارشناختی می‌دهد، مختصری به محدودیت‌های در شرایط خاص زیسته خود می‌پردازد. او از دستانی صحبت می‌کند که بسته و آزاد نبوده‌اند. شاملو با این استعاره تن‌مندان به ما یادآور می‌شود که ادراک و شناخت ما چگونه به کنش‌های ما مربوط می‌شود، زیرا بلافاصله او می‌گوید که به علت بسته‌بودن دستان برای کنشگری است که نمی‌توانسته به ادراک بهتری از هر نغمه، هر چشمه، هر پرند، هر بدر کامل و هر بگاه دیگر برسد که درک زیبایی‌شناختی کامل همه آنها به یوپایی ذهن بدن‌مند کنشگر آزاد نیاز دارد. مغزپیوهی پدیدارشناسانه امروز نیز به این سخن شاملوی شاعر مهر تأیید می‌زند.

شاملو، در پاره بعدی شعر خود، شکایت می‌کند که خود و هم‌عصرانش دست و دهان بسته (محروم از کنشگری خلاقانه و توانمندانه)، از رخصت زیستن گذشته‌اند و مجبور به تماشای منظرې با محدودیت ادراکی‌شده‌اند که تنها از رخنه تنگ‌چشمی می‌توانستند به آن نگاه کنند. با همه این احوال شاعر خسته و در حال گذر به نیستی، با اینکه سفرش را کوتاه و جان‌فرسا می‌داند، ولی می‌تواند از دلان تنگی از نوشته‌های به‌جامانده خود، فریشت را نگاه کند و رضایت‌مندانه بگوید که منت‌پذیر و حق‌گزار است. هم‌اکنون تنها با همین یک شعر می‌توان گفت که شاملو بحق باید از داوری نیک تاریخ نسبت به ماندگاری آثارش امیدوار باشد. این شعر به نظر من تعریفی است که یک انسان باورمند به ذهن بدن‌مند، آن را سروده و دوگانگی بدن از ذهن را نمی‌پذیرد.

#### زنان

## تبعیض در امنیت سایبری

تعدادل جنسیتی در این عرصه شود. چراکه ۲۲ درصد زنان با تبعیض در حرفه خود مواجه شدند و زنان به ویژه در آمریکای شمالی و اروپا به میزان قابل توجهی کمتر از مردان حقوق دریافت می‌کنند. درحالی‌که زنان سالانه حدود ۸۰ هزار دلار دریافت می‌کنند مردان حدود ۱۰۰ هزار دلار دستمزد می‌گیرند. در اروپا میانگین حقوق زنان حدود ۴۷۰۰ هزار۰۰ دلار اما برای مردان ۶۷ هزار دلار است. در واقع زنان کمتر از ۲۱ درصد از هم‌تایران مرد خود در این عرصه دستمزد دارند و همین موضوع منعکس‌کننده چالش‌های گسترده‌تری در جامعه است به ویژه در صنعت امنیت سایبری که کمبود مهارت در آن به شکل بارزی به چشم می‌خورد. اگر این نابرابری‌ها اصلاح شوند، شاید زنان بیشتری جذب این حرفه شوند.